

۳ نکته‌ای که باید در مورد یعقوب بدانید

گرگ لانیر

رساله‌ای که به قلم یعقوب نگاشته شده، آغازی است بر مجموعه‌ای موسوم به رساله‌های «جامع» یا «عمومی»، بدین معنا که این رساله‌ها نه به کلیساها یا افراد خاص، بلکه به کل جامعه‌ی ایمانداران خطاب شده‌اند. در این مورد، رساله خطاب به «دوازده سبط در پراکندگی» (یعقوب ۱: ۱) نوشته شده است؛ تعبیری نمادین و سرشار از معنا برای اشاره به تمامی قوم خدا که در سراسر جهان پراکنده‌اند. در این مقاله، به سه نکته‌ی مهم درباره‌ی این رساله خواهیم پرداخت:

۱. به احتمال زیاد، برادر ناتنی عیسی نویسنده‌ی آن است.

از نظر نویسنده، چهار شخصیت با نام «یعقوب» مطرح هستند. یعقوب، برادر یوحنا (از پسران زبیدی، متی ۴: ۲۱) که زود هنگام شهید شد و نمی‌توانست نویسنده‌ی این رساله باشد (اعمال ۱۲: ۲). یعقوب پسر حلفی (متی ۱۰: ۳) و یعقوب پدر یهودا (لوقا ۶: ۱۶) در کلیسای اولیه چندان شناخته شده نبودند که بتوانند صرفاً با نام «یعقوب» شناخته شوند. بنابراین، محتمل‌ترین گزینه، یعقوب، برادر عیسی (متی ۱۳: ۵۵) است. این یعقوب ابتدا بی‌ایمان بود (یوحنا ۷: ۵)، اما پس از دیداری تکان‌دهنده با عیسی قیام کرده (۱ قرن‌تیان ۱۵: ۷)، به یکی از ارکان کلیسای اولیه و احتمالاً یکی از رسولان تبدیل شد (غلاطیان ۱: ۱۹؛ ۲: ۹).

اهمیت این انتساب در چند نکته نهفته است. نخست، اگرچه یعقوب تحت تأثیر انجیل، متحول شده بود، اما از ارتباط زمینی خود با عیسی بهره‌برداری نمی‌کند و خود را صرفاً «بنده‌ی خدا و خداوند عیسی مسیح» می‌نامد (یعقوب ۱: ۱). دوم، او سخنران کلیدی شورای اورشلیم است که با استناد به عاموس ۹: ۱۱-۱۲ اعلام می‌کند که مرگ و قیام مسیح، یهودیان و غیریهودیان را تنها با ایمان، و نه با نشانه‌های قومی یا اعمال شریعت، متحد می‌سازد (اعمال ۱۵: ۱۳-۲۱). سوم، یعقوب به روشنی آموزه‌های برادرش عیسی را در رساله وارد می‌کند: وعده به فقرا (یعقوب ۲: ۵؛ متی ۵: ۳-۵)، سوگواری و خنده (یعقوب ۴: ۹؛ لوقا ۶: ۲۵)، فروتنی و سرافرازی (یعقوب ۴: ۱۰؛ متی ۲۳: ۱۲)، و راستی‌گویی (یعقوب ۵: ۱۲؛ متی ۵: ۳۴-۳۷). انجیل عیسی، انجیل یعقوب شده است.

۲. رساله‌ی یعقوب برای هدایت زندگی مسیحی نوشته شده است.

نویسنده نه تنها شخصاً تحت تأثیر انجیل قرار گرفته، بلکه اهداف رساله‌اش نیز به‌وضوح ریشه در آن دارند. گرچه ساختار این رساله، مانند کتاب رومیان منطقی و منسجم نیست، اما این به معنای نبود که نظمی در آن نیست. سبک آن آزادتر است، زیرا ماهیت آن اخلاقی و پندآمیز است و مخاطبان آن، ایمان‌داران هستند (یعقوب ۱: ۹، ۱۶، ۱۹؛ ۵: ۱۹). یعقوب همچون پدری که

شبان است، به ایمان‌داران نشان می‌دهد که انجیل چگونه باید شیوه‌ی زندگی آنان را دگرگون سازد و از آنان می‌خواهد که راه زندگی خداپسندانه را انتخاب کنند، و نه گناه را.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- اطاعت: کلام را به عمل درآورید—صرفاً شنونده نباشید (یعقوب ۱: ۲-۲۷).
- مشارکت: دیگران را بدون تبعیض محبت کنید—طرفداری نکنید (یعقوب ۲: ۱-۱۳).
- اطاعت: ایمان خود را به عمل برسانید—ایمان بدون عمل بی‌ثمر است (یعقوب ۲: ۱۴-۲۶).
- مشارکت: زبان خود را برای برکت به کار برید—نه برای آسیب (یعقوب ۳: ۱-۱۸).
- اطاعت: قدوسیت را به عمل درآورید—دنیا را سرمشق نگیرید (یعقوب ۴: ۱-۱۷).
- مشارکت: فقرا را دوست بدارید—در پی ثروت ناعادلانه نباشید (یعقوب ۵: ۱-۶).
- اطاعت: صبر پیشه کنید—در سختی‌ها شکوه نکنید (یعقوب ۵: ۷-۲۰).

یعقوب با پرداختن مکرر به دو موضوع اصلی اطاعت و مشارکت، از زوایای مختلف، آموزه‌هایی عملی برای زندگی مسیحی ارائه می‌دهد. اگر انجیل در قلب یک شخص ریشه کرده باشد، قطعاً چنین میوه‌هایی خواهد آورد.

۳. رساله‌ی یعقوب با رساله‌های پولس در تضاد نیست، بلکه آن‌ها را تکمیل می‌کند.

با توجه به هدف عملی این رساله، می‌توان بار دیگر به انتقاد تاریخی لوتر اشاره کرد مبنی بر اینکه یعقوب فاقد تمایز روشن بین شریعت و انجیل است. این انتقاد عمدتاً متوجه یعقوب ۲: ۲۴ است: «می‌بینید که انسان از راه اعمال عادل شمرده می‌شود، نه فقط از راه ایمان.» این جمله در ظاهر با آموزه‌ی پولس در رومیان ۳: ۲۸ که «انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود» در تضاد است.

اما این طور نیست. در رومیان (و غلاطیان)، پولس از بی‌ایمانی و شکست شریعت آغاز می‌کند (رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۰)، سپس به عادل شمردگی تنها از راه ایمان می‌پردازد (رومیان ۳: ۲۱-۴: ۲۳)، و پس از آن، به فرزندخواندگی و تقدیس می‌رسد (رومیان ۸-۵). پس، عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان بخشی از روند نجات است.

در مقابل، یعقوب با کسانی سخن می‌گوید که ادعای ایمان دارند (یعقوب ۲: ۱۴) ولی نشانی از محبت مسیحی در آنان دیده نمی‌شود (یعقوب ۲: ۱۶). چنین ایمانی، بدون عمل، بی‌فایده و مرده است (یعقوب ۲: ۱۷)؛ پس بنابراین هیچ تفاوتی با تصدیق ذهنی صرف که حتی شیاطین نیز آن را دارند، ندارد (یعقوب ۲: ۱۹).

یعقوب در واقع به پرسشی دیگر پاسخ می‌دهد: «بعد از نجات یافتن، چه باید کرد؟ چگونه ثابت کنم که ایمانم واقعی است؟» و

پاسخ او «از طریق اعمال» است. این همان درکی است که پولس نیز در جای دیگر بیان می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱۲). پولس در رومیان هنوز به این جنبه از ایمان نپرداخته است.

از این منظر، رساله‌ی یعقوب نه تنها با نوشته‌های پولس در تضاد نیست، بلکه مکمل آن‌ها نیز است. رساله‌ی او به هیچ عنوان، کم‌ارزش‌تر از دیگر بخش‌های کتاب مقدس نیست، بلکه انجیل را همچون منبعی پُر بار برای زندگی مسیحی معرفی می‌کنند.

این مقاله بخشی از مجموعه «هر کتاب از کتاب مقدس: ۳ نکته‌ای که باید بدانید» است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

دکتر گِریگ لانیِر، استادیار عهدجدید در دانشگاه الهیات ریفورمد در شهر اورلاندو ایالت فلوریدا می‌باشد. ایشان در کلیسای ریور اوکس به خدمت شبانی مشغول است. او نویسنده‌ی چندین کتاب از جمله *How We Got the Bible* می‌باشد.